

۱-۳. پیشینه طراحی چشم‌انداز در ایران

در دوره پهلوی دوم، رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ و احیای عظمت مجدد ایران همانند عصر هخامنشی به‌عنوان چشم‌انداز، مطرح و تبلیغ می‌شد اما این چشم‌انداز رویایی هرگز به یک سند بلندمدتی که برنامه‌های توسعه بر مبنای آن تهیه و اجرایی شوند، تبدیل نشد. پس از انقلاب نیز همواره نبود این‌گونه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت احساس می‌شد. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در سال ۱۳۷۴، طرح ایجاد تمدن اسلامی ۱۴۰۰ را مطرح کردند و در اواخر دوران ریاست‌جمهوری گفتند: «مردم می‌دانند که دولت برای سال ۱۴۰۰ یعنی ۲۵ سال دیگر طرحی آماده می‌کند که آن روز تمدن واقعی اسلام که هیچگاه در طول تاریخ اسلامی در یک کشور اسلامی تحقق نیافته، در ایران ساخته خواهد شد. شما ۲۵ سال را در نظر بگیرید، با رشد هفت درصدی که ما در مجموع هفت سال داشتیم، ببینید اگر در همه ابعاد برنامه‌ریزی شده باشد، چه اتفاقی در کشور می‌افتد. نتیجه همان است که اسم آن را تمدن اسلامی می‌گذاریم.» (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۵: ۶)

بعد از طرح ناموفق تمدن اسلامی ۱۴۰۰ و پیش از سند چشم‌انداز، «طرح ساماندهی اقتصادی» به‌عنوان یکی از طرح‌های بسیار مفید و سودمند اقتصادی که حتی تا مرحله ابلاغ هم پیش‌رفت، مطرح شد. این طرح پس از تدوین، براساس دیدگاه‌های کارشناسی، به هیأت دولت رفت و در آنجا مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام در مرداد ۱۳۷۷ به تصویب نهایی مقام معظم رهبری هم رسید. اما طرح مزبور گرچه دارای اهداف مطلوبی بود، چارچوب اجرایی نیافت و بسیاری از اهداف و سیاست‌های آن در مقام اجرا نادیده گرفته شد. در ادامه از سال ۱۳۷۶ در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام این احساس وجود داشت که سامانه کلان خط و مشی‌گذاری راهبردی کشور و مدیریت آن دچار نقص و ناهماهنگی و فاقد اهداف اجماعی است و این‌که سیاست‌های کلی نظام در یک جهت خاص و معین تدوین نمی‌شود. به‌همین دلیل در سال ۱۳۷۸ بحثی با عنوان «افق آینده» در دبیرخانه مجمع تشخیص آغاز شد که سرآغاز طرح سند چشم‌انداز شد. مجمع نیز کمیسیون خاصی را از اعضای خود، مأمور تدوین این چشم‌انداز کرد و طی یک‌سال،